

پرونده شماره ۱۱۳

شعبه دو

قرارات عددی

شماره آی.تی.ال - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

اوئنز - کورنینگ فا بیرگلاس کورپوریشن،

خواهان،

- و -

دولت ایران، وزارت امور اقتصادی و دارائی

سازمان گسترش مالکیت واحدهای صنعتی، شرکت پشم شیشه ایران،

شرکت سی مان پاک با مسئولیت محدود، و کمیته انقلاب،

خواندگان.

قرارات عددی

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۲ / ۲ / ۲۳ 13 MAY 1983
No.	۱۱۳ / ۱۱۳

حاضران:

از طرف خواهان: استیفن ام. ترویت،

مارکان، براوین، والد، هارکریدراند راس،

وکلائی دعوی

از طرف خواننده: محمدکریم اشراق، قائم مقام نماینده رابط ایران،

آقای جعفر نیاکی، مشاور حقوقی نماینده رابط ایران،

آقای محمدادیب نظری، وکیل شرکت پشم شیشه،

آقای محمودا عتصامی، نماینده شرکت پشم شیشه،

همچنین: آرتور دبلیو. روابین، نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

جان رینولدز، از وزارت خارجه

اول - واقعیات و ادعاها

در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آبانماه ۱۳۶۰) اوئنز - کورنینگ این ادعا را به ثبت رسانده و طالب وصول حق الامتیازهائی گردید که حسب الادعا طبق دوفقره قرارداد و اگذاری امتیازا اختراع به پشم شیشه ایران، طلبکار بود. یکی از آنها امتیازی است که در سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۴) برای تولید پارهای فرآورده های فایبرگلاس ("امتیا زسنترفیوژ") داده شده و دیگری امتیاز مربوط به استفاده از تکنولوژی خاصی در ارتباط با تولید فرآورده مزبور ("امتیا زکف پوش لایه دار") است که در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) واگذار گردیده است، بعلاوه اوئنز - کورنینگ بابت مصادره ادعائی اموال متعلق به یکی از کارکنان خود نیز مطالبه جبران خسارت می نماید. آنچه که در قرار اعدادی حاضر مورد نظر است، دعاوی مربوط به امتیاز اختراع می باشد.

در ۱۵ آوریل ۱۹۸۲ (۲۶ فروردینماه ۱۳۶۱) پشم شیشه ایران ضمن لایحه مفصلی هم منکر دعاوی اوئنز - کورنینگ شد و هم دوا دعای متقابل اقامه کرد. در نخستین ادعای متقابل پشم شیشه خساراتی را مطالبه کرد که حسب ادعا بدلیل عدم تامین برخی ماشین آلات و ندادن کمک فنی توسط "سودفیو" (SODEFIVE)، که شعبه امتیاز دهنده شرکت دولتی فرانسوی سن گوبن پون آموسون، Saint Gobain Pont a Mousson، است، متحمل شده است. ادعای متقابل پشم شیشه که بر فعل و ترک فعل سن گوبن مستنی است بدو دلیل علیه اوئنز - کورنینگ اقامه شده: نخست آنکه سن گوبن کار گزار اوئنز - کورنینگ جهت تامین کمکهای فنی است و دوم آنکه اوئنز - کورنینگ ضامن حسن انجام کار توسط سن گوبن بوده است. ادعای متقابل دیگر پشم شیشه به مالیات بردرآمد و جریمه های تاخیر تادیه ای مربوط است که حسب ادعا به حق الامتیازه های مختلفی تعلق می گیرد.

شعبه دوطی دستور مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۲ (۲۲ آذرماه ۱۳۶۱)، جلسه استماع جداگانه ای را برای بررسی موضوع صلاحیت دیوان در مورد این دعاوی متقابل بعنوان "ادعاهای متقابل ناشی از قرارداد فیما بین، معامله یا پیش آمدی که مبنای ادعا (اوئنز - کورنینگ) باشد" معین کرد. (بند ۱ ماده دو بیانه حل و فصل دعاوی). این جلسه استماع در تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۸۳ (۱۱ فروردینماه ۱۳۶۲) با حضور طرفین تشکیل گردید.

خواهان متقابل، پشم شیشه با تذکر این نکته که در قراردادهای جداگانه اعطای امتیاز

استفاده از اختراع که با اوئنز - کورنینگ و سن گوین داشته و بموجب آن ها پشم شیشه مجاز بود در صدی از حق الامتیاژیکی از آنها را به این دلیل که هر دو صاحب حق اختراعی بودند که در فرایندهای تولید بکار می رفت ، به حساب بستانکار دیگری واریز نماید ، در صد آن برآمد که اوئنز کورنینگ و سن گوین را تا حدودی با هم مرتبط سازد و بعنوان دلیلی بر وجود رابطه کارگزاری میان دوشرکت اخیرالذکر ، نامه ای را به دیوان تسلیم کرد که در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۶۷ (۸ فروردین ماه ۱۳۴۶) بوسیله اوئنز - کورنینگ به پشم شیشه نوشته شده و در آن از سن گوین بعنوان " رساننده بکارگزار " (conduit or agent) انتقال روشهای گسترش و تکنیک اوئنز - کورنینگ در رابطه با امتیاژ کف پوش لایه دار پیشنهادی ، یاد شده بود . هیچگاه ضمانت نامه اوئنز - کورنینگ ارائه نگردید .

اوئنز - کورنینگ منکر این شد که ترتیبات متقابل اعطای امتیاژ میان شرکت مزبور و سن گوین به این نتیجه منتهی می گردد که باید مسئولیت حسن انجام عملیاتی را بپذیرد که بموجب قراردادهای حداکثرانه سن گوین و پشم شیشه در زمینه اعطای امتیاژ و کمک فنی بر عهده سن گوین نهاده شده است و نیز مدعی شد که دعوی مبتنی بر کاسیتهای نحوه انجام وظایف قراردادی سن گوین از همان " قرارداد ، معامله یا رویداد " موضوع ادعای اوئنز - کورنینگ ناشی نمی شود . اوئنز - کورنینگ به صلاحیت دیوان در رسیدگی به ادعای متقابل مربوط یا مالیات به این دلیل که قوانین مالیاتی ایران در خارج از ایران قابل اجرا نیست و نیز به این دلیل که هرگونه دعوی مالیاتی مربوط به حق الامتیاژ واجب الادای پرداخت نشده ، بنا بر تعریف نمی توانسته از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) معوق تلقی گردد ، اعتراضی کرد .

دوم - دلایل صدور قرار

در مورد دعوی متقابل مربوط به مالیات تصمیم شعبه بر اینست که موضوع قابلیت پذیرش این دعوی ، به ماهیت و اصل دعوی منضم خواهد شد . در عین حال شعبه متذکر می گردد که حق الامتیاژی که اوئنز - کورنینگ استحقاق دریافت آن را داشت ، مشمول مالیات بر درآمد نبود . بنا بر این موضوع مبالغ واجب الادائی که بعنوان مالیات به حق الامتیاژ پرداخت نشده تعلق می گیرد ، الزاما " بعنوان مبلغی که باید با حق الامتیاژ قابل پرداخت پای پای شود ، مطرح می گردد : گوا اینکه طرح دعوی متقابل برای دریافت این

مبالغ مجاز نباشد. دیوان باید صرفاً " در باب قابلیت پذیرش ادعای متقابل که بر نحوه انجام وظایف قراردادی (خدمات) سن گوین مبتنی است تصمیم بگیرد.

ماده‌ای از بیانیه حل و فصل دعاوی که بموجب آن صلاحیت در باب دعاوی متقابل مجاز شناخته می‌شود (بند ۱ ماده دو) این صلاحیت را به دعاوی متقابل محدود می‌کند که توسط خواننده خاصی که دعوی علیه‌وی اقامه شده قابل طرح باشد، دعوی "متقابل که بر اقدام ناشی از همان قرارداد، معامله یا رویداد" مبتنی بوده و خواهان برسدان استناد کرده باشد.

دیوان متذکر می‌گردد که کلمات فوق‌الذکر بوسیله حرف ربط جداکننده و تمایز دهنده " یا " بهم مرتبط شده اند و بهمین دلیل "قرارداد"، "معامله" و "رویداد" شقوق مختلفی را بیان می‌کنند. عبارت دیگر اگر دعوائی منحصر " بر قرارداد مبتنی باشد، برای آنکه دعوی متقابل در حیطه صلاحیت دیوان قرار گیرد، باید از همان قرارداد ناشی شود. از سوی دیگر، در موردی که معامله تجاری دیرپا و پیچیده‌ای به انعقاد قرارداد های متعددی انجامیده است، بدون تردید می‌توان استدلال کرد که اگر دعوی متقابل مبتنی بر همان قراردادی نباشد که دعوی اصلی بر آن استوار بوده، باز هم این دعوی متقابل در حیطه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد زیرا هم دعوی و هم دعوی متقابل از معامله واحدی ناشی شده اند.

دیوان اخذ تصمیم در این باب را در پرونده‌ها ضروری نمی‌یابد، زیرا بنیات حاکی از آنست که هر دو قرارداد اعطای امتیاز تمامی معامله را تشکیل می‌دهند. در واقع ماده ۱۸ هر یک از این دو قرارداد چنین مقرر می‌دارد:

شرایط مندرج در این سند، تمامی قرارداد فیما بین طرفین را تشکیل می‌دهد و جایگزین کلیه تبادلات نظر هائی است که کتبا " یا شفاهی " در گذشته و در باب موضوع قرارداد میان طرفین صورت گرفته و هیچ قرارداد یا تفاهمی که مغایر با قرارداد حاضر یا موسع آن باشد، برای هیچیک از طرفین الزام آور نخواهد بود مگر آنکه سند کتبی مربوط توسط مقام یا نماینده قانوناً مجاز طرفی که ملزم به اجرای آنست، تأیید و در این سند به قرارداد حاضر صراحتاً " استناد شده باشد.

مدارک تقدیمی در این پرونده ثابت می‌کند که شرکت پشم شیشه نخستین قرارداد خود را با

سن گوین (ونیز شعبه آن SODEFIVE) منعقد ساخته و بنا به پیشنهاد سن گوین برای تحصیل امتیازهای دیگر مربوط به کلیه حق اختراعاتی مورد نیاز در فرآیندهای تولیدی موضوع قرارداد، با اوئنز - کورنینگ رابطه برقرار کرده است.

سن گوین مالک حق اختراعاتی اصلی بود، اما مالکیت حق اختراعاتی مربوط به برخی بهبودها در روش انجام کار در اختیار اوئنز - کورنینگ قرار داشت. این تقسیم حقوق با تقسیم حق امتیاز سازگاری و تناسب دارد بدین معنی که بخش اعظم حق امتیاز به سن گوین تعلق می‌گرفت.

خوانندگان به نامه‌ای اشاره می‌کنند که اوئنز - کورنینگ در ۲۸ مارس ۱۹۶۷ (۸ فروردین ماه ۱۳۴۶) به پشم شیشه نوشته است. خوانندگان این نامه را مهمترین سندی می‌دانند که ثابت می‌کند سن گوین بعنوان کارگزار و عامل اوئنز - کورنینگ عمل می‌کرده و بهمین دلیل شرکت اخیرالذکر مسئول کاستیهای عملکرد سن گوین است. این نامه که در جریان مذاکراتی ارسال شده که به عقد قرارداد دوم اعطای امتیاز انجامیده و ادعا بر آن مبتنی است، حاوی دو بند زیربط زیر است:

در مورد پرسش شما در باب دو درصد (۲٪) حق امتیاز تنها ما این بود که تحت هیچ شرایطی نباید این مبلغ کاهش یابد. سن گوین فوت و فن و دستاوردهای فنی ملازما همچنان انتقال خواهد داد و در این رابطه بمشابه رسانه‌ها کارگزار عمل خواهد کرد و نه تا مین کنند. مبنای اطلاعاتی که منتقل می‌گردد. علاوه بر این، در مورد کسانیکه به آنها امتیاز کف پوش لایه دار " داده ایم عموماً " بر اساس دو درصد (۲٪) حق امتیاز عمل کرده ایم و درصد کمتری را تبعیض به زیان آنها می‌دانیم. ما عقیده داریم که این دو درصد حق امتیاز منصفانه بوده و به مادر حبران هزینه‌هایی که در توسعه و تحقیقات در باب کف پوش لایه دار متحمل شده ایم، کمک خواهد کرد.

بنظر ما هر ترتیبی که برای حبران وقتی که شرکت اخیرالذکر جهت آموزش فنون ما به شما صرف می‌کند و نیز بمنظور حبران بهای تجهیزاتی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، مورد توافق شما و سن گوین قرار گیرد موضوع قراردادی خواهد بود که بین شما و سن گوین منعقد خواهد شد. قصد ما این

نبوده که دو درصد حق امتیاز با بت بهای خدمات پیش گفته
پای پای شود و ما این نکته را به اطلاع سن گویند
رسانده ایم .

گرچه در این نامه از سن گوین بعنوان "رسانه" یا "کارگزار" یاد می شود، این نکته
نیز در نامه بوضوح خاطر نشان می گردد که حق امتیاز می که بموجب اعطای امتیاز واجب
الاداء است، منحصر " با حقوق اختراع مرتبط بوده و هزینه انتقال تکنولوژی باید
با توافق سن گوین معین شود و با بت وقتی که سن گرین در آموزش تکنولوژی صرف می کند
و نیز بهای تجهیزات باید مبالغی به این شرکت پرداخت گردد .

بنا بر این صرف نظر از محدودیت مصرح در ماده ۱۸ فوق الذکر، این نامه بر وجود پیوند
ارگانیکی میان قراردادهای اعطای امتیاز و وئنز - کورنینگ و قرارداد کمک فنی
سن گوین دلالت ندارد . علاوه بر این رونوشت قرارداد خدماتی میان سن گوین و پشم
شیشه هرگز در اختیار دیوان قرار نگرفته است .

در قراردادهای اعطای امتیاز و وئنز - کورنینگ هیچ اشاره ای به تعهدات خدماتی این
شرکت بموجب قرارداد منعقد شده میان سن گوین و پشم شیشه نشده است . بعلاوه، پشم شیشه
نامه ها و شکایت های خود را مبنی بر عدم رضایت از عملکرد سن گوین برای همین شرکت
اخیرا الذکر ارسال داشته است . یکبار در سال ۱۹۷۰ پشم شیشه ناراضی خود از جریان
تولید را با و وئنز - کورنینگ در میان گذارد و این شرکت فوراً " از پشم شیشه خواست که
در این باره با سن گوین تماس بگیرد . بجای اقدام دعوی متقابل در پرونده حاضر، سندی
دال بر مراجعه مجدد پشم شیشه به و وئنز - کورنینگ بخاطر جبران خسارات ناشی از عدم اجرای
ادعائی تعهدات توسط سن گوین وجود ندارد .

سوم - قرار

بدلیل پیش گفته

تصمیم دیوان اینست که رسیدگی به ادعای متقابل پشم شیشه که مبتنی بر برخی افعال
و ترک فعل های ادعائی منتسب به سن گوین است، از حیث صلاحیت دیوان خارج بوده

و بنا بر این ادعای متقابل رد می شود. کلیه موضوعات مربوط به صلاحیت در باب ادعا و ادعاهای متقابل مالیاتی و نیز ماهیت ادعا و ادعای متقابل مالیاتی به ماهیت پرونده منضم میشود.

لاهم

بتاریخ ۱۳ مه ۱۹۸۳ برابر با ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲

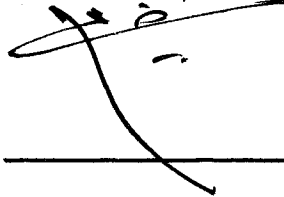


پی ربله
رئیس شعبه دو



جرج اچ. آلدریج

بنام خدا



شفیق شفیعی

نظر مولف